

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ دسمبر ۲۰۲۰

## "حنیف اتمر" و بازگشت به یکی از سیاست های "۶ جدی"!

جمعه- ۰۵ جدی ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه مشغولیت های نان پیدا کردن برای خانواده و خانواده ها، سرمای زمستان و بی برقی مداوم برایتان فرصت باقی گذاشته باشد که روز گذشته به رسانه ها مراجعه نموده باشید، حتماً متوجه مصاحبه "افراسیاب ختک" با تلویزیون "طلوع" شده اید. در یادداشت امروز بدون آن که وقت تان را به گفته های وی ضایع بسازم، به علت و یا علل انجام مصاحبه در چنین مقطعی از زمان جلب می نمایم. اما قبل از آن:

**آنچه در ذیل خدمت تان تقدیم می گردد، فشرده صحبت هائیکه استاد آقای "عزیز نعیمی" در زمینه توضیح دادند.**

۱- در تقابل های سیاسی که از زمان ایجاد دولتی به نام پاکستان با فراز و نشیب های مقطعی مگر متوالی به وجود آمده هر دو طرف (افغانستان و پاکستان) سخت کوشیده اند، تا جهت پیشبرد سیاست های تخریبی شان علیه یک دیگر، استفاده ابزاری از افراد و اشخاص معینی در جهت تقویت مواضع خود و تخریب حریف نمایند.

۲- تا جایی که از تاریخ این ۷ دهه بر می آید، از آغاز پاکستان الی کودتای "داوود" و اعلام جمهوریت، که تقریباً اندکی کمتر از سه دهه را در بر می گیرد، در این مبارزه و استفاده ابزاری از اتباع یک دیگر، دولت افغانستان همیشه دست بالائی داشته، در موجودیت شخص "خان عبدالغفارخان" و خانواده اش، افرادی نامداری چون اجمل ختک، افراسیاب ختک و بقیه خوانین آن طرف دیورند که بدرستی و با معانی متعدد مردم افغانستان بر آنها "خانهای دوسره" نام گذاشته بوند، علی رغم آن که آنها وقتی به پاکستان می رسیدند رسماً اعلام می داشتند که "پاکستانی هستند و برای پاکستان می میرند" - خان عبدالولی خان- مگر در بازی سیاسی "دا پستونستان زمونر" سلطنت هم حصه می گرفتند، و به گفته مردم هم از "توبره می خوردند و هم از آخور"، دولت افغانستان تقریباً از موضع برتری برخوردار بود.

در حالی که در همین بازه زمانی تمام تلاش دولت پاکستان در جذب مخالفان سلطنت چنان محدود ماند که می شود نوشت تقریباً بی نتیجه مانده اگر از رفتن و برگشتن علامه "عبدالحی حبیبی" و هنگامه ای که برای مدتی کوتاه به راه انداخت بگذریم، تنها کسی را که پاکستانی ها قادر شدند، به دنبال سیاست های خود در نزد افغانها خاین معرفی بدارند، همان "مهرخان" معروف شوهر پیشکسوت ترین آوازخوان زن در افغانستان "میرمن پروین" بود.

۳- با کودتای داوود خان و اعلام جمهوری و با در نظر داشت تشدید شعارهای "دا پشتونستان زمونر" از جانب جمهوری، دولت پاکستان از اوضاع پیش آمده در افغانستان سود جسته، با پناه دادن به وطنفروشان اخوانی از "گلبدين" و "ربانی" گرفته تا "مسعود، خالص، وقاد" و بقیه جنایتکاران اسلام سیاسی، در این مبارزه تقریباً در حدی خود را تکامل داد که می شود گفت، توانائی اش همتر از با دولت افغانستان گردید.

از همین سبب بنا به نظر برخی از دانشمندان، تعادل قدرت بین دو دولت، سبب گردید تا هر دو طرف به فکر حل منازعات شان افتاده، روند نزدیکی افغانستان و پاکستان، در آخرین روز های حیات "ذوالفقار بوتهو" و همچنان اوایل قدرتگیری جنرال "ضیاء الحق" که با آخرین ماه های حاکمیت "داوود خان" همزمان بود، سرعت گرفت. روندی که بنا بر تحلیل های موجود از همان زمان، یکی از علل نابودی "داوودخان" به وسیله مزدوران روس، شمرده می شود.

۴- با فاجعه ۷ ثور ۱۳۵۷ و تکامل خونبارتر آن "۶ جدی" ۱۳۵۸ که سوسیال امپریالیسم روس با یورش اشغالگرانه و خونبار خود، به امید مبدل ساختن افغانستان به یک مستعمره مقهور و بی مقدارش، کشور ما را به تالاب خون مبدل ساخت، به موازات تشدید جنگ ها و خونریزی ها، هر دو طرف، یعنی هم دولت دست نشانده روس و هم دولت مداخله گر و دهشت افروز پاکستان، به جنگ ایزاری شان نیز نه تنها حدت و شدت بخشیدند، بلکه تمام فعالیت های شان را که تا آن زمان به مثابه "راز علنی" به شمار می رفت، با برداشتن "راز" از "علنی" مطلقاً علنی ساخته، هم افغانستان و هم پاکستان به آبشخور خانهای دوسره و داعیان اسلام سیاسی مبدل گردیدند.

این سیاست تقابل و استفاده ایزاری از اتباع طرف مقابل، با ختم حاکمیت مزدوران روس در افغانستان با تخت نشینی عوامل پاکستان در افغانستان، به نفع دولت پاکستان خاتمه یافته، می شود گفت بعد از آن، ضمن آن که به جولان خانهای دوسره در افغانستان خاتمه داده شد، ایادی استخبارات پاکستان با غصب حاکمیت افغانستان، حد اقل از لحاظ تعلقات زعامتی، افغانستان را دودسته تقدیم پاکستان نمودند.

ادامه دارد